



سنگ‌گشت نام‌ها

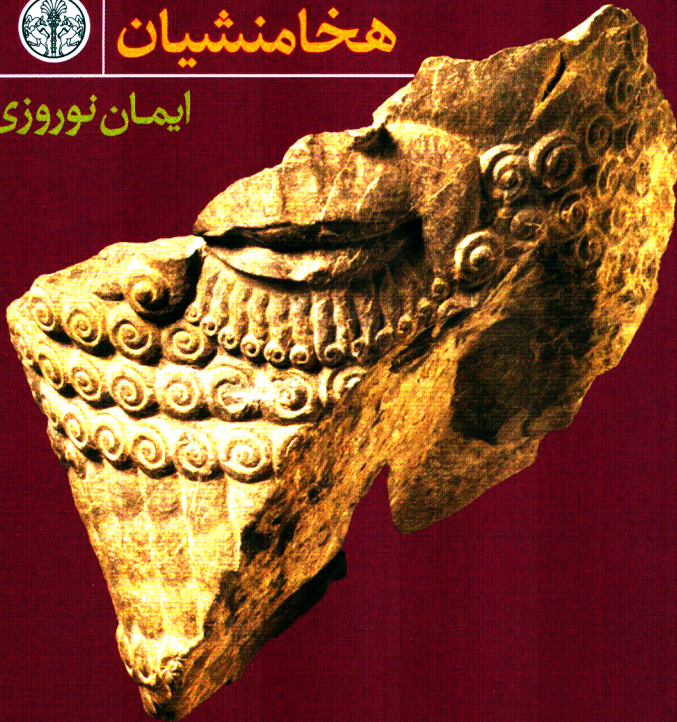
چاپ سوم

داریوش بزرگ

معمار امپراتوری
هخامنشیان



ایمان نوروزی





سرگذشت نامه‌ها

زیر نظر اسماعیل سنگاری

شماره ۲

داریوش بزرگ

معمار امپراتوری
هخامنشیان



ایمان نوروزی

۱۵	یادداشت ناشر.....
۱۷	دربارهٔ مجموعه.....
۱۹	مقدمهٔ ویراستار.....
۲۳	فصل اول: درآمدی بر نقش تاریخی هخامنشیان در تاریخ ایران.....
۲۳	مقدمه‌ای در مواجهه با تاریخ ایران در مقام يك مفهوم پیوسته.....
۲۴	زنجیرهٔ حوادث تاریخ سیاسی ایران.....
۳۱	فصل دوم: نابسامانی دربار هخامنشیان پس از درگذشت کوروش.....
۳۱	اوضاع دربار هخامنشی پس از درگذشت کوروش.....
۳۳	کمیوجیه و تدارك لشکرکشی به مصر.....
۳۴	بردیای دروغین.....
۳۸	اقدامات بردیای دروغین.....
۴۱	فصل سوم: داریوش، پاسبان کیان هخامنشی.....
۴۱	انجمن شدن نجبا علیه بردیا.....
۴۴	قیام علنی نجبای پارسی.....
۴۶	تحلیل و بررسی رویدادهای شورش علیه بردیای دروغین.....
۵۰	شورا.....

مقدمه‌ای در مواجهه با تاریخ ایران در مقام يك مفهوم پیوسته

مورخان معاصر برخلاف پیشینیان، به تاریخ هر کشور به دید يك زنجیره پیوسته از رویدادهای مؤثر بر هم می‌نگرند. این به آن معنی است که موجودیت یافتن يك کشور در بهنه توازن سیاسی و فرهنگی منطقه جغرافیایی واقع در آن، برآیند و نتیجه منطقی رویدادهای قبلی، مانند مهاجرت‌ها، درگیری‌ها، و حتی اختلاط نژادی مردم آن منطقه است. همین‌طور ریشه و بن هر رویدادی که پس از شکل‌گیری آن کشور حادث می‌شود، همچون برآمدن و سقوط حکومت‌ها، انقلاب‌ها و موج‌های سهمگین یورش‌های بیگانه را در زمینه‌های تاریخی آن باید جست.

پس معقول و منطقی نیست که عناصر چنین رویدادهایی را مقولاتی گسسته و نامرتب با حوادث پس و پیش آن بدانیم. اگر با چنین رویکردی تاریخ کشور خودمان، کهن دیار ایران را بازبینی کنیم، روندی بی‌نهایت پیوسته و منظم خواهیم یافت که همه دگرگونی‌های به‌ظاهر بی‌ربط و مستقل، در زنجیره پیوسته‌ای از رویدادهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جای می‌گیرند.^۱

۱. جهت اطلاع بیش‌تر رجوع کنید به استنفورد، مایکل، درآمدی بر تاریخ پژوهشی، ترجمه مسعود صادقی، سمت، تهران ۱۳۸۵.

سال‌هاست که تاریخ‌پژوهان فرهیخته و دلباختگان فرهنگ و تاریخ ایران از دورترین کرانه‌های عالم خاکی، بر مرکب همت خود می‌نشینند و قصد دیدار ایران، این کهن پیر جاوید برنا، را می‌کنند تا در خزائن سربه‌مهر اسناد تاریخی آن، گوهری شب‌چراغ و راهنما برای طی مسیر تاریک و غیر قابل پیش‌بینی تحقیقات تاریخی بیابند. غایت آمال آن‌ها کشف مهم‌ترین رویدادهایی است که مراکز ثقل همین روند پیوسته تاریخی را شکل داده و سرنوشت ملت ایران را رقم زده‌اند. در این میان بسیاری از سرنخ‌ها به هخامنشیان ختم می‌شود.

هدف نخستین جستار این کتاب کشف جایگاه تاریخی خاندان هخامنشی در سیر فرهنگ نامدار و تمدن بی‌مثال ایران است تا در پرتو پاسخ به این پرسش اساسی، بررسی پیچیدگی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوره مهم و تاریخ‌ساز داریوش اول هخامنشی را آغاز کنیم و سهم او را در این نقش تاریخی ارزیابی نماییم.

زنجیره حوادث تاریخ سیاسی ایران

سرآغاز مطالعات تاریخ تمدن‌های ایران بازمی‌گردد به اقوام کم‌تر شناخته‌شده پیش‌آریایی. از این میان با بعضی بیش‌تر آشنا هستیم که عبارت‌اند از قوم ماناها در آذربایجان، تمدن شهر سوخته در زابل سیستان و بلوچستان، تمدن تازه کشف‌شده جیرفت کرمان و پادشاهی عیلام. خصوصیت مشترک دوره‌های تاریخی که این اقوام پیش‌آریایی در آن‌ها می‌زیسته‌اند این است که معمولاً این اقوام بدون بهره‌مندی از هرگونه وحدت ملی در سراسر قلمرو امروز ایران پراکنده بوده‌اند. آن‌ها گاهی در جهت توسعه مبادلات تجاری یا قلمرو چرای احشام‌شان از وجود یکدیگر در ورای مرزهای‌شان باخبر می‌شدند.

این رویه تا ورود آریاییان به فلات ایران ادامه داشت. آریاییان، قومی دامدار و کوچ‌نشین بودند که از سرزمین‌های دور شمالی — احتمالاً در جست‌وجوی چراگاه‌های تازه برای دام‌های خود — راهی سرزمین‌های جنوبی قلمرو خود شدند. با تعقیب مسیر حرکت آن‌ها درمی‌یابیم که این اقوام نخستین منطقه مناسب برای اقامت خود را در کرانه جنوبی دریاچه آرال (منطقه‌ای در ازبکستان کنونی) و اطراف دهانه رود جیحون، قرار دادند. نیاکان آریایی ملت کهن ایران در جست‌وجوی فردایی روشن‌تر، سرزمین نو خود را با حفر نهرهای متعدد از آب رود جیحون آبیاری کردند. آن‌ها آن سرزمین را ائیرینه و ثجه یا ایرانویج خواندند و برای آن تقدس و حرمت قائل شدند؛ زیرا این نخستین خاک و منزلگاه آن مردم زحمتکش بود. این محل قرن‌هاست که خوارزم خوانده می‌شود و امروزه

در جمهوری خودمختار قره قالیپاق در کشور ازبکستان قرار دارد.^۱

اما اندکی بعد، آریاییان ساکن خوارزم به ناگهان با هجوم غارتگران زردپوست بیابان قره قوم (مغولستان و ترکستان چین) روبه‌رو شدند. فشار این اقوام چنان سهمگین بود که آن‌ها را باز مجبور به کوچ به سرزمین‌های جنوبی کرد. در چند موج، این اقوام آرام آرام و در طول سالیان دراز ساکن سرزمین ایران شدند؛^۲ سرزمینی که خمیره فرزندان دلاور آن‌ها از خاک آن شکل گرفت تا در فرادهای دور پاسبانان حریم مقدس آن باشند.

باستان‌شناسان بر این باورند که در زمان ورود آریاییان، تیره‌ها و خاندان‌های مختلف در سراسر سرزمین پهناور ایران زمین پخش شدند، به طوری که این اقوام نخست از محل ساکن شدن دیگری اطلاع چندانی نداشتند.

بخشی از قبایل اولیه آریایی را مادها تشکیل می‌دادند که در سرزمین‌های غربی‌تر ایران امروز ساکن شده بودند. قبایل مادی — چنان که هرودوت، پدر علم تاریخ، نقل می‌کند — شش طایفه بودند: بوسی‌ها، بودی‌ها، مغ‌ها، پارتاکن‌ها، استروخانت‌ها، آری‌زنتوها. این قبایل در نقطه‌ای حساس از تاریخ سیاسی خود، برای حل اختلافات جزئی میان قبیله‌ها، در سال ۶۲۵ ق م داوری دانا برگزیدند که او را به نام دیاکو می‌شناسیم.^۳ وی خردمندترین مرد میان اقوام مادی بود. او شروطی برای برعهده گرفتن امر قضاوت میان طوایف مادی گذاشته بود. شروطی مانند داشتن قلعه، نخستین بن‌مایه‌های ایجاد یک حاکمیت متمرکز را در ایران بنا نهاد. آرام آرام در گذار از شکل قضاوت متمرکز به یک حکومت متمرکز، نخستین پادشاهی آریایی شکل گرفت.

از همان ابتدا پادشاه با وجهی از تقدس همراه بود. تقدس در این جا به این معناست که شاه به‌عنوان عمود اصلی خیمه یک سری از قبایل متجانس، ارتباطی با خدایان دارد. پشتیبانی خدایان قبیله همواره با اوست. در تاریخ ماد هر چه به پیش می‌رویم همین تقدس، تمرکز قدرت

۱. دادگی، فرنیخ، بندهش، گردآورنده مهرداد بهار، توس، تهران ۱۳۷۸، صص ۱۲۳-۱۲۵؛ علی سامی، تمدن هخامنشی، ج ۱، شیراز، دانشکده ادبیات شیراز، ۱۳۴۱، ص ۵۱؛ محمد مقدم، داستان جم، فروهر، تهران، ۱۳۶۳، ص ۹۳
Farrokh, Kaveh, *Shadows in the desert, ancient Persia at war*, New York, Oxford 2007, p. 19.

۲. دادگی فرنیخ، بندهش، صص ۱۲۳-۱۲۵؛ سامی، تمدن هخامنشی، ج ۱، ص ۵۱؛ Farrokh, *Shadows in the ...*, p. 19
۳. هرودت، تاریخ هرودوت، ج ۱، ترجمه هادی هدایتی، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۳۶، ص ۱۸۸؛ جلیل ضیاءپور، مادها و بنیانگذاری نخستین حکومت در غرب فلات ایران، انجمن آثار علمی، تهران ۱۳۷۱، صص ۲۱۰ و ۲۱۱؛ امان‌الله قریشی، ایران نامک نگرشی نو به تاریخ و نام ایران، تهران ۱۳۷۳، ص ۲۱۲؛ مشکور، ایران در عهد باستان در تاریخ اقوام و پادشاهان پیش از اسلام، سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی، تهران ۱۳۴۳، صص ۱۵۲ و ۱۵۳؛ هرودت، تواریخ، ترجمه وحید مازندرانی، دنیای کتاب، تهران ۱۳۸۰، ص ۶۱